

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه سوه اردی بهشت ماه ۱۳۲۱

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - قرائت مراسله آقای گلشایان راجع به صدور کتبه
- ۳ - بقیه شور لایحه املاک و اگذاری
- ۴ - مواعید دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم پیش از ظهر بر ریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس سه شنبه اول اردی بهشت ماه را آقای (ملوسی) منشی خواندند

در روز نامه اطلاعات داده بودم کاملاً مورد توجه واقع نگردیده و شاید هم علت این است که توضیحاتی که از طرف وزارت بازرگانی در مجلس شورای ملی قبلاً داده شده بود کافی نبود. است بنا بر این از جناب عالی خواهشمندم شرح زیر را برای آگاهی خاطر نمایندگان محترم در مجلس شورای ملی قرائت فرمایند . . .

بعضی از نمایندگان - قرائتش مورد ندارد

اراقی - خواندن این در مجلس موضوعی ندارد

مراسله ایست باید بزودت گمسیون عرایض

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (خیر) صورت

مجلس تصویب شد .

۳ - قرائت مراسله آقای گلشایان راجع به صدور کتبه

رئیس - شرحی آقای گلشایان نوشته اند و خواهش

کرده اند که به عرض آقایان نمایندگان برسد . خوانده

میشود :

ساحت مقدس ریاست مجلس شورای ملی

خیلی متأسفم توضیحاتی را که راجع به صدور کتبه

(مذاکرات قانون ۸ آذر ماه ۱۳۲۰)

این مذاکرات مشروح چهل و ششمین جلسه از دوره سیزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

- غالبین بی اجازه - آقایان : دکتر طاهری - نواب زردی - صدر - ناصری - بهمن اسفندیاری - شجاع - جلالی - فاطمی - شیرازی
- دکتر ادبم - دبستانی - معینی - آصف - سلطانی - صادق وزیري - گرگانی
- دیر آمده بی اجازه - آقای اکبر

بعضی از نمایندگان - بخوانند آقا

(بقیه مراسله اینطور خوانده شد)

کثیرا مثل سایر کالا های صادراتی در انحصار دولت بود در تاریخ ۱۳۱۴ این انحصار مجازاً بشرکتی که به سرمایه افراد تشکیل شده بود واگذار گردید در شهریور ۱۳۲۰ که فکرافتاء انحصارها پیدا شد و جزء برنامه دولت گردید خود من در اطاق بازرگانی تهران رسماً نظر دولت را در لغو انحصارها بیان کردم و تمام بازرگانانی که به وزارت بازرگانی مراجعه می کردند تذکر دادم و تشویق کردم که هر چه ممکن باشد اقدام به صادرات و واردات بنمایند قیودی که دست و پای تجارت را بسته بود به وسیله تصویب نامه های لازم حتی الامکان از میان برداشتم و در نتیجه اگر مقداری در این موقع تنگ باز جنسی به مملکت میرسید اثر همین اقدامات بود خلاصه دولت برخی از انحصارهایی که خود عمل می کرد و از آن استفاده های زیاد می برد مثل قند و شکر و غیره لغو کرد امتد نسبت بانحصارهایی که با افراد واگذار شده بود بایستی تجدید نظر میشد

موضوع کتیرا مکرر در مجلس شورای ملی از طرف آقایان نمایندگان تذکر داده شد رئیس شرکت مکرر از خود اینجانب تقاضای لغو انحصار را نمود به وزارت بازرگانی گفته بودم موضوع را از نظر صلاح و صرفه کشور مطالعه کند با اینکه شرکت رسماً و کتباً تقاضای واگذاری این حق و لغو انحصار را نمود تقاضای شرکت و نظر اداره مربوطه را دائر به لغو انحصار و آزاد بودن صدور کتیرا برای همه کس فقط با انجام مقررات مخصوصی به دولت پیشنهاد کردم مسلم بود با وجود نظر دولت بالفاء انحصارهای دولتی و غیر دولتی و تقاضای خود شرکت و پیشنهاد وزارت بازرگانی که مأمور اجرای قانون انحصار است هیچ مانعی برای قبول این پیشنهاد نبود . . .
جهت نمایندگان - خواندن این مراسله موضوعی ندارد (همه نمایندگان - زنگ رئیس)

عده دیگر از نمایندگان - اجازه بفرمائید خوانده شود

بعد مذاکره کنید

رئیس - بخوانید آقا . چرا اجازه نمیدهید ؟
(دنباله مراسله بشرح زیر خوانده شد)

در خلال این امر مرادادیه نام به وسیله آقای . . . نماینده مجلس تقاضای مقداری صادرات کتیرا نمود چون اظهار داشت این مقدار کتیرا را با اطمینان لغو انحصارها و بیایه دولت پیش فروش کرده و ارز آن را نیز به دولت واگذار نموده و بسرحد نیز حمل کرده است و کشتی برای حمل حاضر بود و کشتی هم در این روزها کارآسانی بیست برای اینکه لطمه به صادرات کشور نخورد اجازه صدور دادم و من باب احتیاط دستور دادم که اولاً اداره گمرک باید مراقبت کند که کالا مطابق همان مشخصاتی که قبلاً صادر میشده باشد و ثانیاً صادرکننده تمهید کتبی کند هر گونه تصمیمی که دولت در باره صدور کتیرا گرفت در باره این محموله نیز مجری گردد و این امر منحصراً برایشان نبود هر کس تقاضا می کرد باو جواز داده میشد که این یکی دیگر از آقایان نمایندگان نیز تقاضا کرد باو کفتم لحکمر عین تمهیدی که مرادادیه نموده بنماید اجازه داده خواهد شد . . .
(همه عده از نمایندگن)

الوار - آقا این طرح قانونی است ؟! این چه چیز است که وقت مجلس را بی جهت میگیرد ؟!
دشتمی - آقای طوسی اینها چه چیز است میخوایند ؟
طوسی - اجازه بفرمائید خوانده شود مطلبی دارید بعد بفرمائید

(بقیه باین ترتیب خوانده شد)

اما نسبت بشرکت فرنگ و حریری که اشاره نموده است بمشارایه جواب رد داده شده اگر بتاریخ کناره گیری اینجانب از وزارت بازرگانی که هفتم اسفند می باشد و همچنین به تاریخ جوابی که مستقیماً اداره مربوطه (۱۳ اسفند) داده مراجعه شود ملاحظه خواهند فرمود که این جواب ارتباطی به عمل گذشته و زمان تصدی اینجانب ندارد

چنانچه ملاحظه می فرمایند با این جریان نه عمل خلاف قانونی واقع شده و نه دیناری خسارت به دولت وارد آمده فقط صادراتی که تا کنون بک شرکت خصوصی رأساً یا با گرفتن حقی به دیگری واگذار میشد با همان شرایط و همان مقررات دیگری صادر نموده است مگر این که تصور کنیم شرکتی که حق انحصار مجازاً از دولت گرفته با گرفتن سودی از شخص ثالثی بتواند اجازه صدور بدهد ولی خود دولت که دارنده این حق است در زمانی که شرکت کتیرا از حق انحصار خود صرف نظر کرده حق اجازه دادن صادرات نداشته و اگر مدت ها شرکت از حق انحصار خود صرف نظر کند امر صادرات کشور مختل گردد و یا آن که اگر دایه های مهربان تر از مادرها که به جای آن که به فکر این باشند که این سود به دولت برسد دلشان بحال شرکت می سوزد و تصور می کنند سودی که شرکت می نمود عاید دیگری شده مانعی ندارد طبق همان تمهیدی که تاجر صادرکننده به دولت داده آن سود را از ایشان گرفته به شرکت بدهند

در هر صورت با وجود توضیحاتی که قبلاً داده ام باز مفرضین که صرفاً نظرشان توهین به حیثیت من نیست و می بینم که دست بردار نیستند و می خواهند باین وسیله آبروی چندین ساله من و خانواده ام را ببرند از رئیس دولت رسماً تقاضا کردم موضوع را به وسیله هر مقام صلاحیت داری که مقتضی بدانند تعقیب نمایند و نیز از آقایان نمایندگان مجلس تقاضا دارم لایحه قانونی رسیدگی به دارائی اشخاص را که خود من در ده سال قبل در زمانی که دادستان دیوان کیفر کارکنان دولت بودم به وزیر دادگستری وقت پیشنهاد کردم زود تر بگذرانند و حتمی قبل از تصویب قانون نسبت به وضعیت زندگی من رسیدگی کنند تا حق از باطل روشن شده و سیه روی شود هر که در او غش باشد . در خاتمه عرض می کنم چون از کردار خود در ظرف بیست و پنج سال خدمت مطمئنم و ایمان به خداوند دارم بقین دارم بالاخره حقیقت روشن شده و خداوند روی

مفرضین را سیاه خواهد کرد بنا براین از این هو و جنجالها با کی نداشته و صریحاً می گویم :

هزار دشمنم از میکنند قصد هلاک گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک

والسلام - عباسقلی گلشائیان

عده از نمایندگان - دستور دستور

طوسی - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - آقای اعتبار قبلاً اجازه خواسته اند بفرمائید

اعتبار - بنده میخواستم از آقایانی که زیاد توجه نمی فرمایند استدعا کنم که توجه بفرمایند . رئیس مجلس شورای ملی طبق همان نظامنامه که آقایان بهش استناد میکنند حق دارند که باک مراسلاتی را که از خارج میرسد بخوانند سابقه هم زیاد هست اگر چنانچه آقایان ملاحظه بفرمایند در زمان آقای مؤمن الملک هم هست . بنده مخصوصاً خیلی خوشوقت شدم که باک همچو موضوعی در مجلس شورای ملی بحث شد که طرح شود و حقیقت کشف شود و بنده عقیده دارم مجلس شورای ملی این شرحی را که آقای گلشائیان نوشته اند طبع و توزیع بفرمایند و بعد هم به کمیسیون عرایض برود و رسیدگی بشود . بنده حقیقه عقیده شخصی خودم این است که آقای گلشائیان یکی از مأمورین خوب این کشور است و در اطراف او بیشتر قضیه صورت هو و جنجال پیدا کرده و حقیقه علاقه مندم و من که بکنفر از افراد این مملکت هستم عقیده دارم که قضیه روشن شود و کشف شود که به بینم آیا این اتهامات وارد است یا نیست اگر وارد است میبایستی تعقیب شود برود روی وضعیتی که خودشی برای خودش خواسته و اگر اینطور نیست چرا ما باک اشخاصی را آلوده کنیم (صحیح است) و بکلی این حرفها منطلق ندارد از این جهت بنده استدعا میکنم که این قضیه را مجلس جدی بگیرد و رسیدگی بکند .

ملک مدنی - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - نوبت آقای تراقی است .

جمعی از نمایندگان - دستور . دستور

انوار - آقا این که مطرح ایست . آقای رئیس چرا

اجازه میدید ؟

رئیس - خیلی تعجب میکنم آقای انوار از شما که هر روز تلگرافاتی و مراسلاتی بوسیله آقایان نمایندگان میرسد و در اینجا خوانده میشود آوقت حرف نمیزید . آقای اراقی .

اراقی - مطابق صریح نظامنامه تمام عرایض که به مجلس میرسد باید به کمیسیون عرایض فرستاده شود اگر کمیسیون عرایض لازم دانست و تصویب کرد اجازه میدهد که عین آن مراسم در مجلس قرائت شود و الا آقای گلشایان امروز یک فرد عادی هستند وزیر نیستند که یک لایحه . یک روزنامه بنویسند به مجلس و اینجا قرائت شود ایشان اگر یک جرمی را مرتکب شده اند مأمورین کشف جرائم باید مطابق قوانین و قواعد رسیدگی کنند و الا مجلس حق مداخله در این موضوعات مطلقاً ندارد که کشف کنند ایشان مرتکب جرمی شده اند یا خیر این وظیفه مأمورین کشف جرائم است و اصلاً قرائت لایحه ایشان در مجلس مورد ندارد باید قبلاً به کمیسیون عرایض برود پیش از چندین هزار عریضه از طرف اشخاص به مجلس میرسد و اینها غالباً از طرف اشخاصی است که مورد ظلم و تعدی واقع شده اند یا میشود خیلی توجه نسبت بآنها میشود ایشان باصلاح که یک اختصاصی ندارد که باید اوقات مجلس را صرف کرد و مدتی وقت مجلس صرف لایحه ایشان بشود لایحه ایشان باید در روزنامه ها منتشر شود .

رئیس - بنده تصور میکنم جنابعالی قضیه را توجه نمیفرمائید بنده عرض کردم تلگرافات و مراسلاتی توسط آقایان نمایندگان میرسد و اینجا میخوانند و شما گوش میدید و هیچ نمیگوئید بچه دلیل رئیس مجلس حق ندارد یک مراسله که رسیده است اجازه دهد در مجلس خوانده شود ؟ (صحیح است) . . .

انوار - بدلیل نظامنامه و ماده صریح نظامنامه .

تصویب شد . ماده سوم :

ماده سوم - برای هر يك از این هیئت ها رئیس و دو نفر کارمند اصلی و بقدر احتیاج کارمند جانشین به پیشنهاد وزارت دادگستری از طرف هیئت وزیران بین کارمندان قضائی و اداری دولت که بصیر باینگونه امور و مطلع از قوانین باشند انتخاب میشود .

رئیس شعبه اول سمت ریاست کل این هیئت ها را خواهد داشت .

رئیس - موافقین با ماده سوم برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد . ماده چهارم :

ماده ۴ - وزارت دادگستری بقدر احتیاج کارمندان دفتری و مأمورین برای این هیئت ها معین خواهد نمود . رئیس - موافقین با ماده چهارم برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد . ماده پنجم :

ماده ۵ - وزارت دارائی نمایندگان کابی معین خواهد کرد که در موقع رسیدگی باین شکایات حاضر شده توضیحات لازم را در مقابل دعاوی اشخاص بدهند .

رئیس - موافقین با ماده پنجم برخیزند (بیشتر قیام نمودند) تصویب شد . ماده ششم :

ماده ۶ - هر کس بهر عنوان (اعم از مالکیت یا وقفیت) نسبت بعین املاک و اگذارای یا متعلقات و حدود آن و یا قنوات و حقایق ادعا و یا شکایتی راجع به عملیات و تصرفات با واسطه یا بلاواسطه اعلیحضرت پادشاه سابق و مأمورین ایشان داشته باشد باید در ظرف مدت ششماه از تاریخ نشر آگهی تشکیل هیئت های رسیدگی در هر حوزه شکایت خود را باین هیئت بنماید خواه بعنوان تصرف غیر قانونی باشد و خواه نسبت به مورد گفتگو درخواست ثبت بنام اعلیحضرت پادشاه سابق شده و یا نشده باشد و خواه سند معامله رسمی بوده ملک در دفتر املاک ثبت شده و یا نشده باشد .

تبصره - هیچ دادگناه دیگری صلاحیت رسیدگی باینگونه دعاوی را (خواه راجع بعین باشد یا منافع) نخواهد داشت .

طوسی - خلاصه بنده که از این مجلس . . . واقعاً نمیشود کار کرد آقا بان اینکه مشکل بیست سؤال را بنده کرده ام یک چیزی را که در مجلس میآورند و خوانده میشود باید توضیح داده شود .

جمعی از نمایندگان - نمیشود . مطرح نیست .

رئیس - متأسفانه آقایان نه قانون را متوجه هستند نه نظامنامه را ماده ۱۰۴ نظامنامه میگوید : قبل از آنکه داخل موضوع مباحثات شوند رئیس نوشتهجات و مطالبی که راجع به مجلس است باطلاع نمایندگان میرساند . قانون شما اینطور است و شما اینطور داد و فریاد میکنید و کار راهم موقوف میکنید .

(۳ - بقیه شور لایحه املاک و اگذاری)

رئیس - گزارش کمیسیون دادگستری راجع باملاک و اگذاری مطرح است . ماده دوم خوانده میشود :

ماده دوم - برای رسیدگی بدوی باین دعاوی يك یا چند هیئت هر يك مرکب از سه نفر بنام هیئت رسیدگی بنفیه امور املاک و اگذاری در وزارت دادگستری تشکیل میگردد .

تبصره - حوزه رسیدگی هر يك از این هیئت ها و همچنین تعیین اینکه کدام يك ثابت و یا سیار خواهد بود بطوریکه مقتضی باشد از طرف وزارت دادگستری معین خواهد شد .

رئیس - آقای مجد ضیائی .

مجد ضیائی - از هیئت تجدید نظر در این ماده ذکر شده آن غیر از این است یا در خود این ماده است ؟ (نقابت) - راجع به تجدید نظر آقای مجد ضیائی سؤال فرمودند در مواد بعد تکلیف محکمه تجدید نظر معین شده است .

رئیس - موافقین با ماده دوم برخیزند . . .

مستشار - من پیشنهاد داده ام آقا .

رئیس - باید پیشنهاد خودتان را به موقع بدهید اعلام رأی شد . موافقین با ماده دوم برخیزند (اکثر برخاستند)

دشقی - بدلیل نظامنامه و نظامنامه به مجلس حق نمیدهد که این را مطرح کنند .

جمعی از نمایندگان - دستور .

رئیس - آقای ملک مدنی .

ملک مدنی - بنده با این که بسنظر آقای اعتبار موافق هستم ولی با این توضیحی که آقای اراقی فرمودند مخالف نیستم بنظر بنده مرجع رسیدگی اینها کمیسیون عرایض است . اساساً بنده میخواستم عرض کنم که اینچنین موضوعات را در مجلس مطرح کردن بیمورد است . همان اول که شروع به طرح این مطلب بجهت بود است تا بانجا رسیده است . بنده هم موافقم که آقای گلشایان يك شخصی است با حیثیت و شئون او را باید مجلس در نظر بگیرد و نباید در اطراف او صحبت شود (حمزه تاش - مشکل است اینطور باشد) ولی این دلیل نیست که هر کس هر حرفی داشته باشد بیاید در مجلس مطرح کند بفرمایش آقای انوار نظامنامه مجلس هست کار مجلس مطالب دیگری است دخالت مجلس و قوه مقننه در قوه اجرائیه و قوه قضائیه مورد ندارد استدعا میکنم توجه بفرمائید قوه مقننه و قوه قضائیه هر کدام يك وظایفی دارند و مجلس نباید در اموری که جز وظایفش نیست دخالت کند اگر کسی خدای نخواسته برخلاف اصل عمل کرده و يك کار خلاف قانونی مرتکب شده باید از جرایم خودش تعقیب شود بنده عرض این است که ما نباید این باب را باز کنیم که بعد گرفتار میشویم هر کاری يك مرجعی دارد يك محل رسیدگی دارد باید همان مرجع رسیدگی کند . و طرح این مطالب بنظر بنده صحیح نیست .

جمعی از نمایندگان - دستور .

طوسی - بنده توضیحی داشتم آقا .

نقابت - اکثریت اجازه نمیدهد .

جمعی از نمایندگان (با همه) - نمیشود آقا مطرح نیست باید وارد دستور شویم .

طوسی - بنده سؤال کرده بودم .

جمعی از نمایندگان - نمیشود مطرح نیست .

رئیس - آقای محیط .
محیط لاریجانی - عرضی ندارم .
رئیس - آقای انوار .

انوار - این جا در شور اول بنده يك پیشنهادی کرده بودم راجع به مسئله جنحه و جنایتی که مأمورین شاه سابق اگر بر مردم وارد آورده باشند آیا در این هیئت رسیدگی میشود یا خیر این يك موضوع بود که قبول نشد برای این که گفتند اگر جنحه و جنایتی شده باشد و شامل مرور زمان نشده باشد میتواند به محاکمه رجوع کنند اما نسبت باموال منقول اگر کسی شکایت دارد که فلان مأمور مثلاً فلانقدر پول گرفته یا مال مرا مأمورین شاه سابق برده اند نسبت باموال منقولی که مأمورین شاه سابق از این مردم گرفته باشند این را چه کار میکنند این جا شکایت میکنند یا اینکه باید برود بمراجع عمومی اگر اجازه داده شود مطابق اهلاقی که در این عبارت هست که اگر از مأمورین شکایتی نسبت باموال منقولی هم که گرفته شده در همین هیئت ها رسیدگی شود ضرری ندارد .

وزیر دادگستری - راجع بموضوع ارتکاب جنحه و جنایت بنده سابقاً هم در مجلس عرض کرده بودم که این هیئت ها بيك کاری مشغول هستند که باید زودتر کار را انجام داده و مردم راحت شوند و اگر اجازه رسیدگی به جنحه و جنایت هم باین هیئت ها میدادیم اصل موضوعی که مبتلا به مردم است معوق نمیشد راه باز است و میتواند هر کس از این بابت شکایتی دارد بمراجع مخصوص خودش شکایت کند و رسیدگی میشود ما هم هیئت مخصوص میفرستیم آن جا که اگر کسی شکایتی دارد آرا تحت دقت قرار بدهند . اما راجع باموال منقول این مسئله در شور اول هم مطرح مذاکره واقع شد و در کمیسیون مذاکره شد و گفته شد که اگر اموال منقول را هم بخواهیم داخل کنیم تولید اشکالات زیادی میشود و اسباب معطلی کار مردم نسبت باین املاک که مورد درخواست این اشخاص است خواهد شد باین جهت موافقت شد و آقایان موافقت فرمودند که این

انحصار داشته باشد باملاك و اموال غیر منقول (صحیح است)
رئیس - موافقین باماده ششم برخیزند (اغلب برخاستند)
تصویب شد . ماده هفتم :

ماده ۷ - اگر کسی مدعی باشد که انتقال دهنده باعلیحضرت پادشاه سابق یا کسی که ملك از او انتزاع شده حق انتقال نداشته و تصرفات او قانونی نبوده و شاکی ذبحق در آن ملك میباشد میتواند در ظرف مدت ششماه مذکور شکایت خود را بدفتر هیئت رسیدگی تقدیم دارد مشروط بر اینکه قطع نظر از تصرفات اعلیحضرت پادشاه سابق و صدور سند مالکیت بنام ایشان از جهات دیگری ادعای مزبور ساقط نشده و قابل استماع باشد .

رئیس - موافقین با ماده هفتم برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد . ماده هشتم :

ماده ۸ - پس از انقضای مدت ششماه مذکور هیچگونه شکایت و ادعائی نسبت باملاك و اگذاری نه در این دادگاه و نه در هیچ دادگاهی پذیرفته نخواهد شد .

تبصره - کسانی که در خارج از کشور اقامت دارند میتوانند تا یکسال از تاریخ اجراء این قانون شکایت خود را به هیئت های نامبرده تقدیم دارند
رئیس - آقای اوحدی .

اوحدی - بنده عرض زیادی نداشتم فقط اصلاح عبارتی را میخواستم پیشنهاد کنم که آقای وزیر دادگستری موافقت فرمودند . اصلاح بفرمایند چون همه جا در این قانون صحبت از هیئت است و هیئت رسیدگی و این جا نوشته شده است (نه در این دادگاه و نه در هیچ دادگاهی پذیرفته نخواهد شد) این دادگاه اولی همان هیئت بشود بهتر است .

وزیر دادگستری - صحیح است . بنده موافقم .
رئیس - موافقین با ماده هشتم برخیزند (عده زیادی قیام نمودند) تصویب شد . ماده نهم :

ماده ۹ - شکایت نامه باید بعنوان هیئت رسیدگی و تصدیق املاك و اگذاری در ظرف مدت ششماه مذکور کتباً با تمام مدارك آن بدفتر رسیدگی و یا بداره ثبت محل اقامت شاکی

در مقابل قبض رسید و یا به بست خانه بایست سفارشی تسلیم شود تاریخ قبض رسید دفتر هیئت رسیدگی و یا اداره ثبت و بایستخانه تاریخ شکایت محسوب میشود شکایات ممکن است تلگرافی هم باشد

چنانچه هیئت رسیدگی در حوزه تشکیل شود میتواند شکایت نامه های راجع بآن حوزه را بدفتر هیئت رسیدگی آن حوزه تسلیم نمود . در صورتیکه شکایت بدون مدارك فرستاده شود دفتر هیئت رسیدگی اخطار مینماید که در ظرف یکماه با رعایت مهلت مسافت کلیه مدارك و اسناد خود را ارسال دارد والا درخواست او رد خواهد شد .

رئیس - آقای دکتر سمیعی .
دکتر سمیعی - بنده يك پیشنهادی داده ام استدعا میکنم آن را بخوانند

طوسی - پیشنهاد شما در موقعش قرائت میشود .
رئیس - موقعش حالا است کسی اجازه نخواسته .
پیشنهاد آقای دکتر سمیعی .

پیشنهاد مینمایم دوسطر اول ماده ۹ بترتیب زیر اصلاح شود و سه سطر آخر ماده ۹ بکلی حذف گردد .

ماده ۹ - شکایت نامه باید بعنوان هیئت رسیدگی و تصدیق املاك و اگذاری در ظرف مدت ششماه مذکور کتباً در صورتیکه مداركی داشته باشند ضمیمه آن نموده الی آخر

رئیس - آقای دکتر سمیعی
دکتر سمیعی - اینجا نوشته شده است که شکایات نامه ها مداركی هم ضمیمه داشته باشد يك عده از این املاك هست که صاحبان آنها مداركی ندارند و آنچه هم که مدارك داشته اند در موقعی که املاك را از دستشان خارج کرده اند مدارك و قبالات آنها را بداره املاك برده اند و همچنین بعضی ها خرده مالک هستند و سابقاً املاك را خودشان زراعت میکردند و بدیگری اجازه نمیدادند که اجازه نامه در دست داشته باشند باین ملاحظه بنده پیشنهاد میکنم آقای وزیر دادگستری موافقت بفرمایند که اگر مداركی هم ضمیمه نباشد شکایات نامه را بپذیرند

مخبر - آنچه که معمول است این است که هر شکایتی باید پیوست باشد بيك مداركی و مدارك عبارت از سندی است که قابل استناد باشد در دعوی گاهی آن مدارك شهادتنامه است گاهی قبالة است اگر کسی این املاك را فروخته است بداره املاك سواد سند را از دفتر ثبت رسمی میگیرد و میدهد میگوید بموجب این بینید من فروشنده هستم بنابراین سابقه تصرف داشته و این قانون هم امروز بمالکیت اساس خیلی توجه ندارد به تصرف توجه دارد یعنی متصرف قبل از تصرف اعلیحضرت شاه سابق کی رسیده او را میخواهد تشخیص بدهد حالا اثبات تصرف با امارات با تحقیق محلی با مدارك دیگر میسر است و اگر مداركی داشته باشد بدهد و لسی این باعث میشود که اگر کسی هم حقی ندارد شکایت نکند باین جهت اگر موافقت بفرمایند این عبارت بیشتر نظر ها را تأمین میکنند .

رئیس - آقای انوار .
انوار - این اندازه که آقای نقابت راهی ایجاد کردند نمیدانم کافی هست یا نیست . همانطور که آقای دکتر سمیعی بیان کردند همه کاملاً میدانند يك قوه قاهره ای بوده است و املاك مردم را ضبط کرد و آن قوه قاهره همه جور قبالات را گرفته اند ؟ اجازه نامه ها را گرفته اند حتی اگر ملاحظه بفرمائید رضیه از آنها گرفته اند که من راضی هستم باین وجود این بدبخت ها چکار کنند مگر اینکه يك توسعه ای در این باب بدهیم که شهادتنامه و يك استشهادی که يك خرده مالکی بیاورد ابرادی نسبت باو گرفته نشود یعنی بنده نمیخواهم بگویم که دستشان از همه جهت باز باشد اگر استشهادی آورده تسهیلاتی بشود نظر بنده هم مثل آقای دکتر سمیعی این است که این عبارت که نوشتید که يك مداركی داشته باشد فوراً توجه میشود بيك مدارك رسمی و با این ترتیبی که عرض کردم چطور میشود مدارك رسمی تهیه کرد دیگر اینکه موافقت میفرمائید که توسعه ای قائل بشوند برای این موضوع که این بیچاره ها بحق خودشان برسند .

رئیس - آقای انوار .
انوار - این اندازه که آقای نقابت راهی ایجاد کردند نمیدانم کافی هست یا نیست . همانطور که آقای دکتر سمیعی بیان کردند همه کاملاً میدانند يك قوه قاهره ای بوده است و املاك مردم را ضبط کرد و آن قوه قاهره همه جور قبالات را گرفته اند ؟ اجازه نامه ها را گرفته اند حتی اگر ملاحظه بفرمائید رضیه از آنها گرفته اند که من راضی هستم باین وجود این بدبخت ها چکار کنند مگر اینکه يك توسعه ای در این باب بدهیم که شهادتنامه و يك استشهادی که يك خرده مالکی بیاورد ابرادی نسبت باو گرفته نشود یعنی بنده نمیخواهم بگویم که دستشان از همه جهت باز باشد اگر استشهادی آورده تسهیلاتی بشود نظر بنده هم مثل آقای دکتر سمیعی این است که این عبارت که نوشتید که يك مداركی داشته باشد فوراً توجه میشود بيك مدارك رسمی و با این ترتیبی که عرض کردم چطور میشود مدارك رسمی تهیه کرد دیگر اینکه موافقت میفرمائید که توسعه ای قائل بشوند برای این موضوع که این بیچاره ها بحق خودشان برسند .

وزیر دادگستری - اساساً و اصولاً البته آقایان تصدیق میفرمایند که میشود گفت دعای بی مدرک باشد اگر پیشنهاد آقای دکتر سمعی را قبول کنیم آنوقت باید دعای بی مدرک را هم قبول کنیم و این نمیشود باید تصدیق کرد که ادعا باید همیشه متکی به مدارک باشد و در قانون هم نظر قانونگذاری همین است فرض این است که مدرک دارد و باید ضمیمه درخواست خودش بکند اگر نکرد تصور این می رود که او فراموش کرده باید اظهار کنند که در یک مدتی تقدیم بکنند حالا فرض بفرمائید ندارد یا نداشته اگر داشته است و میفرمائید ازش گرفته اند تمام این دوسیه های ثبت و اسناد و املاکی که سابقاً داشته اند موجود است و چنانچه پرونده هائی هم که برای این کار تنظیم شده طوری است که میتواند استفاده کند به علاوه استشهاد خودش مدرک است اینجا صحبت از تصرف است اگر به قانون توجه بفرمائید صحبت این است که تصرف پیش از انتقال را معین کنیم اینهم اگر مدرک نداشته باشد استشهاد تهیه میکند با تحقیقات محلی میخواهد در آن دعوی خویش را ذکر میکند بنا بر این ایجاد اشکالی در اینجا برای او نشده است که بتواند حقش را ثابت کند .

رئیس - آقای دکتر سمعی

دکتر سمعی - عرض کنم که بنده اطلاع دارم که عدالت از مالکین هستند که هیچ نوع مدرکی در دست ندارند و اگر بخواهند هم بطوری که توضیح دادند مدارکی تهیه کنند شاید برایشان میسر نباشد گذشته از این در قسمت آخر این ماده تصریح شده که اگر چنانچه بدون مدرک باشد ادعای او رد میشود یک ماه هم مهلت داده میشود اینجا ملاحظه بفرمائید اولاً یکماه وقت هیئت تلف میشود یکماه آن مالک معطل و سرگردان است و بشکایت او رسیدگی نمیشود باید دولت صرف وقت را هم در نظر بگیرد که آن هیئتهای رسیدگی و مردم معطل شوند بنده خواهش میکنم از آقای وزیر دادگستری که موافقت بفرمائید همطور که بنده پیشنهاد کردم این ماده اصلاح شود .

هست ممکن است که مختصر تفاوتی هم داشته باشد عرض کنم که لازم نیست که ما در قانون بنویسیم استشهاد وقتی که گفته شد مدارک خودش را ضمیمه کند اعم است هر مدارکی باشد باید ضمیمه کند و دولت هم میگوید اگر ضمیمه نکرده و یکماه مهلت داده میشود که اگر مدارک ندارد تهیه کند یا مثلاً مینویسد در آن اظهاری که باو میشود آفت مدارک من تحقیقات محلی است بیائید تحقیقات محلی بکنند معلوم میشود حق من .

رئیس - آقای دکتر سمعی

دکتر سمعی - چون آقای وزیر فرمودند که استشهاد هم جزء مدارک است بنده مسترد میکنم .

رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - عرض میکنم که اگر آقای دکتر بات قدم دوچکتری فراموش کردند و میفرمایند بماده یازدهم و آن ماده را در نظر میگیرفتند تصور میکنم خودشان را محتاج بدین امیدند که چنین پیشنهادی کرده باشند مدرک وقتی گفته میشود برای هر دعوائی سند ثبت استنادی مقصود نیست مدرک هر قریبه و دلیلی است که بتواند مدلل بخورد که در فلان تاریخ این آدم متصرف در این زمین یا خانه یا این شیء بوده است هر چه میخواهد باشد این ملک چه بسا که چه هر چه بالاتر این قبل از اقدام شاه سابق در دست هر کس که بوده اگر مالیات بده بوده است این سابقه در اداره مالیات دارد اگر ارضی میراثی بوده و بدون مالیات بوده بت تقسیم نامه ای بین رفقا و شرکا و سایر وراثت دارد اگر خریداری بوده از یکی دیگر و او هم از دیگری خوب این هم بت سابقه دارد و باین لحاظ ماده یازدهم معین کرده که اگر طرف گفت مدرک من در اداره مالیه است یا در فلان اداره یا در فلان بنسگاه دولتی است یا فلان اشخاص سابقه دارند و پیش من چیزی نیست در صورتیکه تحقیق از اشخاص با از وضع ملک لازم باشد هیئت رسیدگی باید این کارها را بکنند بنا بر این تحقیق از اشخاص هم جزء مدرک است بنسگاه های دولتی هم اگر اطلاع داشته باشند مثلاً اداره

مالیه مطلع است و آن شخص قبض ندارد نوی دفتر مالیاتی ثبت است و آنچه جز مدارک است بنابراین بنده معتقد هستم که محتاج باین پیشنهاد نیست مگر اینک بگوید من هیچ چیزی ندارم وقتی این باب باز بشود بر ضرر مالکین و رعایا تمام خواهد شد .

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم که بعقیده بنده این املاک چند قسم است یک قسم املاکی است که سند مالکیت صادر شده است باسم شاه سابق و معالیه در محضر شده اینها معاملات محضری است و قبالجانش الان در اداره بیوتات است و در ماده یازدهم تصریح شده که اگر شاک استناد کرد بمدارک که در ادارات دولتی هست هیئت رسیدگی باید تحقیق کند که تمام قبالجانش هست و تمام فروشندها هم معین هستند و در یک ماده دیگری هم معین شده است که اگر فروشندگی دیگری باشد مثلاً یکی از بستگان او را آورده اند (چون او در محضر بود) ازش قبالة گرفته اند اینهم در یک ماده دیگر تکلیف معین شده که باو بدهد و ثانی بر این میتواند بگوید که من در فلان محضر معامله کرده ام آنجا معین است که من فروشنده بوده ام و میشود استناد کرد و بعقیده بنده خیلی راه را باز کردیم برای این ها و استشهاد را هم آقای وزیر دادگستری فرمودند می پذیریم دیگر بنظر بنده ماده اشکالی ندارد و اگر ماده ۱۱ را بخواهند هیچ اشکالی ندارد راجع بمرتع هم میشود استشهاد کرد که مال فلان آدم است قبول میکنند قبالة جات را هم با دوسیه امر می بینند و حکم میدهند و اشکالی ندارد .

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده گمان میکنم بیانات آقای انوار و آقای دکتر سمعی هر دو صحیح است و آقای وزیر دادگستری بی خود لجاجت میکنند و توجه نمی کنند باین قسمت که قصد عمده این است که این املاک بمردم داده شود و این قانون برای این است که چه طور داده شود و حق بمن لایحق برسد و حق دیگری بدیگری داده نشود اما اینطور که اینجا گفته

شده است ممکن است در موارد خاصی اسباب زحمت شود و آن این است که مینویسد اگر شخصی ادعا کرد و مدرک نداشت این اصلاً دعوایش رد میشود و ادعایش کلاً تمسک است و این غلط است و باید برای این موضوعات يك شرایط خاصی هم قائل شد مثلاً فرض بفرمائید يك ملكى است اسمش محمد آباد است و من ادعا کردم ولی مدرک نفرستادم اما آقای دکتر سنك مدرک فرستاده البته هیئت رسیدگی میکند بمدارك فرستاده شده آوقت تکلیف من چه میشود . یا فرض بفرمائید ملكى است بیات آباد و کسی بر او ادعا کرده باشد ولی مدرک نداده باشد این ادعا رد میشود و نتیجه امر این است که آن ملك جزء خالصجات دولت در میآید مسلماً در مازندران و کیلان يك جاهائی بوده یعنی زمین هاى مال فلان بیره زن و فلان بدبخت مأمورین املاك برای خود شیرینی گرفته اند و ضمیمه املاك کرده اند ولی قبالة نگرفته و مدرکى هم نیست این تکلیفش چه میشود بنا بر این باید قانون را کامل نوشت و سعی شود که يك کارهای خاصی هم مشمول قانون شود و حق هیچکس هم پایمال نشود این يك موضوع موضوع دیگری که آقای مهدوی اینجا تذکر دادند راجع باشخاصی است که در خارجه اقامت دارند و روابطش با ایران طوری است که تا چهار پنج ماه دیگر نتوانند ادعائی کنند و برای آنها هم باید مهلت بیشتری قائل شد که بتوانند شکایت کنند .

وزیر دادگستری - بنده مذاکرات آقای دکتر سمیعى و آقای انوار را توجه کردم و سابقاً هم در کمیسیون مورد دقت واقع شده بود نه این است که بی خود توجه نشده و تمجب میکنم از آقای دشتی که چرا عبارت لاج بازی را استعمال میکنند ما صحبت لاج بازی نداریم يك مطلبی را ایشان میفرمایند و ما هم دفاع میکنیم و اگر صحیح باشد قبول میکنیم و اگر نباشد رد میکنیم و اکثریت مجلس هم قاطع امر است . بنده از روز اول گفتم که نظر دولت این است که ملك بمالك حقیقى و بمن له الحق برسد و در این مواد هم کاملاً این منظور تأمین شده حالا اگر آقایان نمایندگان اس ندارند به ترتیب قضائی آن يك امری است علیه و

من هم ابرادى ندارم ولیکن ناگزیرم این مطلب را تذکره کنم که نفرمایند که اگر این مدرک نداشت درخواستش رد میشود و حق او باطل میشود اینطور نیست عرض کردم معمول این است و اینجاست همینطور پیش بینی شده که اگر کسی ادعائی دارد با مداركش باید بیاید و ادعای خودش را تقدیم دادگاه هیئت رسیدگی کند قانون گزار همیشه نظر ارفاقی را نسبت بکسی که میآید اقامه دعوی میکند در نظر میگیرد فرض میکنند که این شخص مداركش را که ضمیمه نکرده شاید فراموش کرده باشد باین جهت مهلت میدهیم که بتواند مداركی که دارد بیاورد و اظهار کند و این شخص که زنده است بیدار است نخواهد بیاید مطالبه حق خودش را بکند هم مقررات کلی قضائی هم در این قانون مو جبات هدایت او فراهم شده است و راههائی برای ادعا او در این قانون در نظر گرفته شده که اگر مدارك خود را نفرستاده بعد از این که باو اخطار شد در ظرف يكماه بیاید و مداركش را اظهار کند و این هم از دو حال خارج نیست یا مدارك داشته یا نداشته اگر داشته میفرستد و اگر نداشته یا توانسته است که تهیه کند در ماده ۱۱ پیش بینی شده است و راه برای او باز شده که بتواند تقاضای خودش را مستند کند به تحقیقات محلی و دوسیه ها و پرونده ها و بمدارك و اسنادی که در جاهای دیگر سراغ دارد و باین ترتیب که يك حقى ثابت شود میتواند حق خودش را اثبات کند اگر آنطوری که آقای دکتر فرمودند قبول کنیم یعنی بگوئیم که مدرک نداشته باشد آوقت ملاحظه میفرمائید که چه مضاری پیدا میکند (صحیح است) هر کسی آوقت بدون مدرک ادعا میکند و اسباب اشکال و زحمت فراهم میشود و با این قانون ابطال حقى نمیشود و هیچ راهی هم بسته نشده و راهها هم تمام باز است و میتواند کاملاً استفاده کنند .

(جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود .

پیشنهاد میکنم در ماده ۹ بعد از کلمه مدارك اضافه شود

ولو استشهاد . انوار

رئیس - آقای انوار .
انوار - اولاً عرض میکنم که در پیشنهاد غیر از خود پیشنهاد دهنده و مخبر کمیسیون و وزیر کسی حق ندارد حرف بزند و اگر کسی هم بخواهد توضیحی بدهد باید از اعضاء کمیسیون باشد . از بیانات آقای وزیر دادگستری معلوم شد که کاملاً نظر ارفاق و مساعدت در بین است و چون این نظر را دارند بنده پیشنهاد کردم که استشهاد هم ضمیمه شود برای اینکه اگر کسی مداركی در دست نداشته باشد بتواند برای قبول عرضحالش استشهاد ضمیمه کند چون فعلاً موضوع صحبت پذیرفتن عرضحالش است نه در مقام احقاق حق ما در دادن حق حرفی نداریم مقصود این است که عرضحالش فعلاً قبول شود و بعد رسیدگی کنند اگر آقای وزیر قبول میفرمایند که هیچ و اگر قبول نمیکنند ناچارم پس بگیرم که قانون معطل نماند .

مخبر - البته آقای انوار توجه دارند که جواز دادن استشهاد وقتی از طرف مخبر کمیسیون ب از طرف دولت پذیرفته میشود مثل این است که در قانون هم نوشته شده باشد و این حق قانون و تفسیر پارلمانی يك قانونی است که باید بصورت جلسه مراجعه شود و نظر مقررین را می فهمند ولی استشهاد خودش نوعی از مدرک است و وقتی که گفتم مدارك ولو استشهاد این منظور تأمین است . و تصرف هم بیشتر يك چیزی است که با يك اسناد محکمی ممکن است اثبات شود و با شهادت هم میشود اثبات شود چون تصرف از قبیل عقود و ایقاعات زائد بر پانصد ريال نیست که قانون منع کرده باشد که بی مدرک نشود و با استشهاد هم میشود و این کلمه که پیشنهاد فرمودند قابل قبول است منتهی در متن ماده بیشتر روشن است .

رئیس - آقای انوار توجه دارند که جواز دادن استشهاد وقتی از طرف مخبر کمیسیون ب از طرف دولت پذیرفته میشود مثل این است که در قانون هم نوشته شده باشد و این حق قانون و تفسیر پارلمانی يك قانونی است که باید بصورت جلسه مراجعه شود و نظر مقررین را می فهمند ولی استشهاد خودش نوعی از مدرک است و وقتی که گفتم مدارك ولو استشهاد این منظور تأمین است . و تصرف هم بیشتر يك چیزی است که با يك اسناد محکمی ممکن است اثبات شود و با شهادت هم میشود اثبات شود چون تصرف از قبیل عقود و ایقاعات زائد بر پانصد ريال نیست که قانون منع کرده باشد که بی مدرک نشود و با استشهاد هم میشود و این کلمه که پیشنهاد فرمودند قابل قبول است منتهی در متن ماده بیشتر روشن است .

رئیس - آقای انوار .
انوار - بنده خواستم به آقای اعتبار عرض کنم که در وزارت مالیه تمام مدارك و اسناد این املاك هست و محتاج نیست باینکه يك مدت بیشتری برای دادن جواب معین کنیم و اگر امتداد بدهیم وقت بیچاره شاکی زیاده ترفلف میشود و همان مدت بیست روز بنظر بنده کافی است و گویان میکنم که اکثریت هم قبول کند .

رئیس - موافقین باماده ۱۰ برخیزند (اکثر برخاستند)
نصوبت شد . ماده ۱۱ .

ماده ۱۱ - هیئت رسیدگی میتواند از دادگاهها و ادارات مربوطه و مأمورین وزارتخانه ها و بنسگاههای دولتی و ملی

توضیحات لازم در این مورد خواهد بود و بر رویه های وابسته مراجع کند و در صورتیکه تحقیقی از اشخاص و یا از وضعیت ملک لازم باشد بعمل آورد. دادگاهها و ادارات و مأمورین و دستگاههای مذکور مکلفاند پاسخ هیئت را داده و تحقیق و عملی را که با آنها رجوع شده است انجام دهند و هم چنین اشخاص ذی نفع هم میتوانند از مدارک موجود در ادارات و دادگاهها استفاده نمایند. در دعاوی راجع بموقوفات نماینده اداره اوقاف نیز میتواند برای توضیحات و حفظ منافع وقف حضور داشته باشد. رئیس - آقای انوار.

انوار - اینک مینویسد هیئت رسیدگی میتواند از دادگاهها و ادارات مربوطه و مأمورین و وزارتخانهها توضیحات بخواهد و آنها هم به هیئت رسیدگی جواب باید بدهند و نسبت بشاکی و کسانی که طرف دعوی واقع شده اند مینویسد اشخاص ذی نفع هم میتوانند از مدارک موجود در ادارات و دادگاهها استفاده نمایند اینها میتوانند استفاده نمایند ولی میرساند که ادارات مربوطه هم مکلفاند انجام دهند خواهستم آقای وزیر دادگستری توضیح بفرمائید همانطور که مکلف میباشد جواب هیئت را بدهند همانطور هم مکلف میباشد بدعاوی که صاحبان حق رجوع میکنند جواب آنها را هم بدهند.

وزیر دادگستری - همانطور که نماینده محترم فرمودند اینجا در عبارت همینطور نوشته میشود و شروع میشود از کلمه (و همچنین) یعنی همانطور که آنها میکنند اینها هم میکنند و علاوه گفته شده است استفاده نمایند این منظور را میرساند رئیس - موافقین با ماده دوازدهم برخیزند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوازدهم: ماده ۱۲ - هیئت رسیدگی میتواند شخص شاکی یا نماینده او را برای توضیحات و رسیدگی احضار کند و همچنین میتواند اشخاص دیگری را هم برای توضیح بخواهد و بوسائل لازم و مقتضی تحقیقات محلی بعمل آورد. رئیس - آقای انوار

تبصره - نشانی هیئت رسیدگی راجع بصاحب حق فقط ضمن شکایت از رأی نهائی قابل تجدید نظر است. رئیس - پیشنهادهای رسیده است قرائت میشود: پیشنهاد میکنم تبصره زیر بماده ۱۳ علاوه شود: تبصره ۲ - مقصود از متصرف قبل از تصرفات شاه سابق اشخاصی هستند که بعنوان مالکیت قطعی در رقبات تصرف داشته اند - سزاوار رئیس - بفرمائید

سزاوار - چون اینجا در ماده ۱۳ نوشته شده است باید متصرف قبل از تصرفات اعلیحضرت شاه سابق را تشخیص بدهند يك اشخاصی بوده اند که بعنوان معامله شرطی يك رقباتی را در تصرف داشته اند و نظیر شبیه هم داشته است در وقتیکه این املاک بشاه سابق واگذار شده آن حقیقتاً واگذار کرده اند نتوانسته است در دفتر رسمی معامله قطعی بکنند بنا بر این ملک را واگذار کرده اند بشاه سابق و حالا اگر بنا شود که معامله املاک بر گردد متصرف قبلی آن کسی است که طرف معامله شرطی بوده آن وقت کسیکه ملک مال اوست و در تاریخ آن وقت مالک واقعی بوده میتواند برود در محاکم عمومی و اگر در واردی بوده است که از بابت عین یا ساختمان پولی باو داده شود این بضرر آن مالک واقعی تمام میشود چون ممکن است این پول در دست آن شخص تفریط بشود و حق این مالک واقعی از بین برود

مخبر - نظر این است که متصرف قبل از تصرف شاه سابق مشخص بشود زیرا در کمیسیون این مذاکره شد که ممکن است بعضی از اشخاص یا مأمورین با اعمال املاک کثیرا خریده باشند بنام شخصی خودشان ولیکن بعد از یکی دو ماه منتقل کرده باشند بشاه سابق وقتی رسیدگی میکنیم می بینیم متصرف قبل از تصرف شاه سابق کسی بوده است البته آن کسی بوده است که انتقال داده است اینجا اشکال میشود در صورتیکه آن کسی که قبلاً ملک در دست او بوده است سمت وساطت در کار داشته این منظور در تبصره ماده ۱۴ قید

شده و صریحاً در آن جا ذکر شد در مواردیکه مأمورین املاک کثیرا بنام خود انتقال گرفته و بعد اگر بشاه سابق انتقال داده باشند متصرفین قبل از انتقال بمأمورین مزبور میتوانند بر طبق این قانون اقامه دعوی نمایند. يك نکته هم سر متصرف است که اصلاً متصرف در آن تبصره دوم توجه سه ذکر شد که انتقال دهندگان مزبور در حدود این قانون متصرفین قبل از تصرف پادشاه سابق شناخته خواهند شد این دیگر رفع آن اشکال میشود آمدیم سر این مورد خاصی که آقای سزاوار مثال زدند که اینطور که بنده فهمیده ملکی است بیع شرط بوده حالا انتقال یافته است بشاه سابق کی انتقال داده کسی که طلبکار است با مالک اصلی. طلبکار که حق نداشته بفروشد زیرا مطابق ماده ۳۴ تمت اسناد این فقط بپولش حق دارد از قبل این ملک و این ملک متعلق حق صاحبش است باید این ملک را بفروشد و پول او را بدهد و بقیه اش را بنگرد حالا آمدیم فروخت چون فرض است فرض آقارا که نمیشود تردید کرد آمد و فروخت این را هم داریم که اگر کسی مدعی شود که انتقال دهنده شاه سابق حق انتقال نداشته این را در ماده ۷ قید کردیم که اگر کسی مدعی باشد که انتقال دهنده با اعلیحضرت پادشاه سابق یا کسیکه ملک از او انتزاع شده حق انتقال نداشته و تصرفات او قانونی نبوده او هم میآید بعنوان ثالث اقامه دعوی بکنند و میگویند حق عینی دارم و آن کسیکه با او معامله داشته است میگوید که من حق بیعی دارم طرفش هم هست حق و حقیقتشان تسویه خواهد شد زیرا جواز داده شد باشخاص ثالث که در این موضوع حق داشته باشند بیایند اقامه دعوی کنند وقتی قید شد که اگر چند نفر مدعی بودند در يك ملک بدو اینها تسویه میشود که متصرف و ذیحق را تشخیص بدهند و بعد حسابش را با دولت تسویه کنند پس بعد از جمع بین این ماده و تبصره ماده ۱۴ و ماده ۷ و سایر موادی که ذکر شده بنده تصور میکنم مقصود آقای سزاوار تأمین است سزاوار - بنده توضیح مختصری دارم.

رئیس - آقای اوحدی .
اوحدی - چون آقای نقابت همان نکته را که بنده
میخواستم توضیح بدهم تذکر دادند یعنی ماده ۷ را سرریحا
خواندند بنده دیگر عرضی ندارم .
رئیس - آقای سزاوار .

سزاوار - بنده قبلاً عرض کردم که اصل رقبه را آنکسی
که طرف معامله شرطی بوده یعنی خریدار شرطی آن
انتقال نداده آن يك حقى داشته ولی باستناد آن حق اعلى حضرت
شاه سابق آن ملك را تملك كرد پس حالا که بر میگردد
بمتصرف قبلى و بنا بر این حق مالکیت واقعى از بین میرود و
مشمول این قسمت از ماده هفت هم نیست .

مخبر - این يك فرس ثالثى است غير از آن ذو جورى
که آقای وزیر جواب دادند فرس این است که ملكى گرو
بیع شرط گذاشته شده است پیش کسی و آن کس این حق
را بشاه سابق انتقال داده است و منتقل اليه که شاه سابق باشد
تمام آن ملك را تصرف کرده این هم راه حل دارد راه حلش
این است که شخص مالک میآید آنجا اقامه شکایت میکند که
من در فلان ملک فلان مقدار ریال مدیون بوده ام و شما تمام ملک
را داده اید حق ندارید باستناد ماده ۳۴ قانون ثبت زیر آن انتقال قطعى
نداده که مالک باشد و حق انتقال کامل ندارد بنا بر این يك
تصرفى است بر خلاف واقع و بمقدارى که متصرف حق داشته
است میتواند و او هم حق خودش را میبرد .

رئیس - آقای سزاوار فرمایشی دارید .
سزاوار - بنده پیشنهادی داده ام نظرم همان پیشنهاد است .
رئیس - آقای ملک مدنى .

ملک مدنى - بنده هم يك توضیحى میخواستم آقای نقابت
با آقای وزیر بدهند و آن این است که از بنده این قضیه را
سؤال کردند که طرز رسیدگی در این قسمت که يك ملكى
است بین دو نفر طرف دعوى واقع شده و در معرض جریان
قضائى بوده اتفاقاً این ملك هم از املاکى بوده است که
بجوار املاک شاه سابق بوده است طرفین را آورده اند محض و
ازشان نوشته واگذارى گرفته اند حالا طرز رسیدگی چه

میشود طرفین که سند واگذارى داده اند و آنها را حاضر
کرده اند در ثبت و نوشته ترك دعوى و واگذارى از طرفین
گرفته اند حالا نحوه رسیدگی آنها چیست برای اینکه هم
بر دادگاه مطالب روشن باشد و هم تکلیف طرفین خواهرش
فیکتم آقای وزیر یا آقای مخبر توضیح بدهند رفع این
اشکال بشود .

مخبر - البته فرس این است که دو نفر بین هم اختلافاتی
داشته اند و اینطور با همدیگر صاحبان داده اند که از
همدیگر صرف نظر کنند حالا باز این دعوى باقی میماند بین
مدعى اصلی و مدعى علیه اصلی و هر دو میآیند شکایت میکنند
و آوقت مشمول ماده ۱۳ خواهند بود در صورتیکه نسبت
بيك ملك چند نفر شکایت کنند هیئت رسیدگی کرده بدو
متصرف قبل از تصرف را می شناسند بعد ملك را واگذار
میکند .

سزاوار - چون توضیح دادند که مالک واقعى میتواند
شکایت کند بنا بر این پیشنهاد را مسترد میکنم .

چند نفر از نمایندگان - ختم جلسه .
رئیس - ماده که خوانده شد بگذارید تمام شود .
اورنگ - استدعایم بگذارید ماده ۱۴ هم خوانده شود .
رئیس - پیشنهاد دیگر :

تبصره زیر را بماده ۱۳ پیشنهاد میکنم .
تبصره - تصرفات در حین جریان این قانون تصرف قانونى
شناخته میشود و غير از خورده مالکین که دولت از نظر
کشاورزى اجازه داده اشخاصى از این قانون استفاده میکنند
که تصرفات در املاک مورد دعوى نکرده باشند . اعتبار .
وزیر دادگستری - این پیشنهاد باشد برای جلسه آینده
که مطالعه اش میکنم .

(ختم جلسه - تعیین جلسه بعد
عده از نمایندگان - ختم جلسه .
رئیس - آقای دکتر سنگ .
دکتر سنگ - عرض میکنم اغلب جلسه تا يك ساعت
بعد از ظهر ادامه داشت و آقایان اظهار خستگی نمیکردند

میل دارند که این لایحه بگذرد و مردم و اشخاصی که اینجند...
هستند زودتر آسایش پیدا کنند این ذهنی من است و اگر
يك كسى هم بالفرض خدای نکرده مخالفت کند با این قانون
من نمیگویم که این شخص میل ندارد که مالکین بحق
خودشان برسند بنده مطمئنم که همه این میل را دارند اما
ملاحظه فرمائید اکثریت هم هست آقای وزیر هم مطالعه
میکند ده دقیقه مطالعه میکنند و نظر آقای اعتبار هم این
است که باشخاص تعدی اشود .

رئیس - آقای هاشمی
هاشمی - آقای دکتر تصدیق فرمائید که امروز این
لایحه باخر امیرسد . اگر خاتمه مییافت بنده با پیشنهاد
حضرت نمایی موافق بودم اما بحث زیاد دارد اگر موافقت
فرمائید بماند برای روز پيشنیه
نمایندگان - صحیح است .

۴- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه
آینده روز یکشنبه ششم اردیبهشت سه ساعت قبل از ظهر
(مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

و حاضر بودند استدعا میکنم ختم جلسه را انقدر آقایان
اصرار نداشته باشند این لایحه را که از طرف دولت تقدیم
شده همراهی کننفس بگذرد هیچوقت طول مدت آقایان را
کسل نکرده بود مخصوصاً به آقای طالش خان عرض میکنم
اصرار نداشته باشند تازه ده دقیقه از ظهر میگذرد تا یکساعت
بعد از ظهر هم میتوانیم کار کنیم .

رئیس - آقای طوسی .
طوسی - آقای دکتر این نظر حضرت نمایی را من تصور
میکنم همه آقایان بنوبه خود دادند و بنده هم دارم که هر چه
زودتر این لایحه بگذرد و تمام شود ولی در عین حال يك
پیشنهادی آقای اعتبار کردند که باین پیشنهاد ممکن است
ترتیب اثر داده شود و حالا اگر بخواهیم در این پیشنهاد
حرف بزنیم و باقی کارها را انجام بدهیم و بماده رانى بگردیم
وقت طولانی طولانی خواهد شد و بالاخره امروز تمام نمیشود
پس بهتر این است که همانطور که مذاکره شد بماند برای
جلسه دیگر . (گفته شد صحیح است)

دکتر سنگ - البته بنده منکر نیستم که تمام مجلس